

اول تجارت بعد سیاست

بررسی سفر ترامپ به خاورمیانه که دیروز از عربستان آغاز شد

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

POLITICO

سفر ترامپ و نشانه‌های بد برای نتانیاهو

سال گذشته وقتی رئیس‌جمهور ترامپ دوباره برنده انتخابات شد، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و مشاورانش، نفس راحتی کشیدند؛ اما حالا که ترامپ به کاخ سفید برگشته، وضعیت دیگری پیش روست. درست است که نتانیاهو مدتی در غزه دست‌بازتری داشت، اما این دور‌هبر چندان درباره دیگر مسائل هم‌نظر نیستند. سفر سه‌روزه ترامپ به منطقه خلیج فارس هم ممکن است این را مشهودتر کند. رئیس‌جمهور آمریکا اول در عربستان سعودی توقف می‌کند، سپس قطر و سپس امارات متحده عربی. هیچ سفری به اسرائیل در برنامه نیست. طبق روال ترامپ، این سفر هم تماماً تراکنشی خواهد بود. او به دنبال پیروزی‌های سریع است و توافقات چند میلیارد دلاری نفتی و تجاری و سرمایه‌گذاری‌هایی که بتواند در بازگشت به خانه تبلیغ‌شان کند. این وضعیت یک مشکل پیش روی نتانیاهو می‌گذارد: برای ترامپ، صدای پول از همه چیز بلندتر است و رهبران این منطقه هم به دنبال بده‌بستان خواهند بود. پایان دادن به جنگ در غزه بالای فهرست‌شان خواهد بود، همان جنگی که نتانیاهو، عمدتاً برای حفظ ائتلاف غیرقابل‌کنترلش و پرهیز از انتخابات، مصمم است ادامه، بلکه گسترش دهد. این کشورها دوباره و دوباره هم تأکید کرده‌اند که بازگشت به مذاکرات دودولتی لازم است؛ مثلاً رهبران سعودی اصرار دارند که بدون حرکت واضح دیپلماتیک به آن سمت، هیچ «عادی‌سازی» روابط با اسرائیل در کار نخواهد بود.

بالاخره و برخلاف ۲۰۱۷، این رهبران حالا خواستار توافق هسته‌ای با ایران هستند، از آن‌جا که همگی عطش ثبات منطقه‌ای دارند. آن‌ها در حال حاضر فرصتی پیش رو می‌بینند برای برقراری کمی آرامش، حالا که نیابتی‌های ایران، حماس و حزب‌الله آسیب جدی دیده‌اند و بشار اسد، متحد تهران در سوریه، سقوط کرده است. سعودی‌ها در سال ۲۰۱۵، علیه حوثی‌های مورد حمایت ایران جنگ‌راه انداخته بودند اما این بار، آن‌ها می‌خواهند درگیری در یمن خاتمه‌یابد. از این رو بود که از توافق ترامپ برای توقف بمباران حوثی‌ها در مقابل قول آن‌ها برای توقف هدف‌گیری کشتی‌های ایالات متحده در دریای سرخ حمایت کردند. اعلام این توافق اسرائیل را غافلگیر کرد، چون اندکی پس از حمله موشکی حوثی‌ها به فروگاه بن‌گورین انجام شد، حمله‌ای که باعث لغو پرواز بسیاری از خطوط هوایی بین‌المللی به اسرائیل شد. این تحول کلافگی فزاینده نتانیاهو را بیشتر هم کرد، از آنجا که این رهبر اسرائیلی اخیراً در سفرش به واشنگتن، در دو جبهه دیگر هم پس‌زده شد، او از واشنگتن دست خالی برگشت، بدون دریافت حمایت برای حمله به ایران و بدون توافق بر سر تعرفه‌ها. نتانیاهو و مشاورانش این را هم به خوبی می‌دانند که برخی در اردوگاه «ماگا»، شامل معاون اول جی‌دی‌ونس و نماینده ویژه استیو ویتکاف، نسبت به هر گونه ماجراجویی با پایان باز که ممکن است خطر گرفتارکردن واشنگتن را داشته باشد، تردیدهای جدی دارند. نباید کردن تأسیسات هسته‌ای ایران هم قطعاً چنین نتیجه‌ای خواهد داشت. ونس در مصاحبه‌ای پیش از ادای سوگند معاون اول رئیس‌جمهور گفته بود: «منافع ما کاملاً در این است که به جنگ با ایران نرویم. هدررفت عظیمی از منابع خواهد بود. به‌شدت برای کشور ما گران از کار در خواهد آمد.»

با این حال، به نظر می‌رسد نتانیاهو هنوز بر این امید مانده که بتواند ترامپ را به حمله به ایران قانع کند یا این که لااقل، ترامپ اجازه دهد که او خودش این کار را بکند؛ اما در شرایطی که سعودی‌ها وعده‌هایی به ارزش چند میلیارد دلاری دهند و قطری‌ها آماده‌اند، هواپیمای روبه‌کهنسالی رئیس‌جمهور را جایگزین کنند، به نظر می‌رسد این امید نابه‌جایی باشد. در آستانه سفر ترامپ، آوای تسم او هم در حال تغییر به نظر می‌رسد. ویتکاف ناگهان بابت طولانی‌کردن جنگ در غزه از اسرائیل انتقاد می‌کند و می‌گوید آتش‌بس و توافق بر سر گروگان‌ها گام درست بعدی هستند. طبق گزارش کانال ۱۲ اسرائیل، او به خانواده‌های اسرای اسرائیلی که هنوز دست‌خاس است گفت: «ما می‌خواهیم گروگان‌ها را به خانه بیاوریم اما اسرائیل آماده پایان دادن به جنگ نیست.» حتی ترامپ خودش هم برای اولین بار به صراحت خواستار پایان جنگ شده است. بنابراین به نظر می‌رسد نتانیاهو به زودی چیزی را خواهد آموخت که ولودیمیر زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین هم با تجربه‌ای تلخ آموخت: برای ترامپ، غزه و اوکراین برنامه‌های حاشیه‌ای هستند و او نمی‌خواهد این‌ها مزاحم برنامه‌دیپلماتیک بزرگ‌تر او برای بازنشانی روابط و ابر توافقات تجاری شوند.

خاور میانه

محمدحسین لطف‌الهی

خبرنگار بین‌الملل

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در حالی سفر خود به خاورمیانه را آغاز کرد که به گفته مقام‌های ارشد آمریکایی و عربی، تمرکز او در درجه اول نه بر چالش‌های ژئوپلیتیکی و تنش‌ها در منطقه، بلکه بر جذب سرمایه از عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی معطوف است.

دو مقام آمریکایی و دو مقام عربی به وبسایت اکسیوس گفته‌اند اصلی‌ترین هدف سفر ۴ روزه ترامپ به خاورمیانه انعقاد قراردادهای تجاری و سرمایه‌گذاری به ارزش ۱ تریلیون دلار است. به گفته یک مقام عربی، «دستور کار منطقه‌ای رئیس‌جمهور آمریکا، تجارت، تجارت و تجارت خواهد بود.»

این سفر که اولین سفر بین‌المللی مهم رئیس‌جمهور آمریکا از زمان بازگشت به کاخ سفید در ژانویه ۲۰۲۵ محسوب می‌شود، نشان‌دهنده جایگاه کشورهای ثروتمند نفتی در برنامه‌های ترامپ و نشانه‌ای از تلاش او برای کمربند کردن نقش متحدان سنتی آمریکا است که در دوره رؤسای جمهور پیشین معمولاً به عنوان نخستین مقصد سفر انتخاب می‌شدند.

ترامپ در شرایطی به خاورمیانه آمده است که این منطقه تحولات امنیتی مهمی را تجربه می‌کند. از یک سو سرنوشت جنگ در غزه هنوز نامشخص است و به رغم تلاش‌ها برای برقراری آتش‌بس در این منطقه، مخالفت‌های اسرائیل با پایان جنگ و طرح‌های تل‌آویو برای تصرف کامل نوار غزه شرایط را بیش از پیش پیچیده کرده است. از سوی دیگر، به رغم تلاش‌های اسرائیل به منظور قانع کردن آمریکا برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، واشنگتن ترجیح داده تا با تهران برای دستیابی به یک توافق مذاکره کند. به طور کلی، تلاش رئیس‌جمهور آمریکا این است که بدون حل و فصل ریشه‌ای چالش‌ها، نوعی ثبات را به منطقه بازگرداند که در آن امکان بهره‌برداری از فرصت‌های تجاری برای آمریکا وجود داشته باشد. استیون ای کوک، تحلیلگر شورای روابط خارجی آمریکا در این باره می‌نویسد: «آمریکای ترامپ مایل به تغییر شکل خاورمیانه و بازتعریف معادلات در این منطقه نیست و به همین دلیل می‌خواهد با ایرانی‌ها به توافق برسد.»

ترامپ در هفته‌های گذشته برای شرکت در مراسم خاکسپاری پاپ فرانسیس عازم ایتالیا شده بود اما همچنان عربستان نخستین مقصد سفر رسمی رئیس‌جمهور آمریکا به حساب می‌آید. او در دوره نخست‌ریاست جمهوری خود نیز عربستان سعودی را به عنوان نخستین مقصد سفرهای بین‌المللی خود انتخاب کرده بود، با این تفاوت که در سال ۲۰۱۷ پس از سفر به عربستان سعودی عازم اسرائیل و پس از آن عازم اروپا شد تا متحدان سنتی ایالات متحده را نیز راضی نگه دارد. این بار اما ترامپ قصدی برای سفر به سرزمین‌های اشغالی و دیدار با مقام‌های اسرائیلی در طی تور خاورمیانه‌ای خود ندارد.

در هفته‌های اخیر، اریک ترامپ، پسر رئیس‌جمهور آمریکا که به همراه برادرش مدیریت کسب‌وکارهای ترامپ را بر عهده دارد، به امارات متحده عربی و قطر (مقاصد بعدی سفر رئیس‌جمهور آمریکا

پس از عربستان) سفر کرده بود و طی سفر خود توافقی‌هایی را با سرمایه‌گذاران مرتبط با حاکمیت این کشورها به امضا رساند. این موضوع نگرانی‌هایی را در ایالات متحده در خصوص تأثیرگذاری احتمالی منافع اقتصادی کسب و کارهای شخصی ترامپ بر سیاست خارجی آمریکا ایجاد کرده است.

رسانه‌ها گزارش دادند که هم‌زمان با سفر دونالد ترامپ به ریاض، شماری از مدیران بزرگ‌ترین شرکت‌های آمریکایی نیز برای شرکت در «همایش سرمایه‌گذاری عربستان سعودی-آمریکا» روز سه‌شنبه وارد این کشور شده‌اند.

مورد خاص عربستان

روزنامه نیویورک تایمز روز دوشنبه ۱۲ مه گزارش داد که ترامپ، سفر خود به عربستان را با ایلستی از خواسته‌ها برای سرمایه‌گذاری عربستان آغاز می‌کند که ارزش آن حدود ۱ تریلیون دلار برآورد می‌شود. عربستان سعودی، با انبوهی از پروژه‌های عظیم و پرهزینه داخلی و باقیمت نفت که بسیار پایین‌تر از سطح مورد نیاز برای تأمین مالی هزینه‌هایش قرار دارد، با کسری بودجه‌ای مواجه است که ممکن است در سال جاری میلادی به بیش از ۷۰ میلیارد دلار برسد. با این حال این موضوع مانع از آن نشده است که محمد بن سلمان، ولیعهد و حاکم دوفاکتوی عربستان، در ژانویه ۲۰۲۵ تعهد دهد که ۶۰۰ میلیارد دلار در طول دوره ریاست‌جمهوری ترامپ در ایالات متحده سرمایه‌گذاری کند. اندکی پس از آن، ترامپ او را «مردی فوق‌العاده» توصیف کرد.

بعدتر، ترامپ اعلام کرد از ولیعهد عربستان خواهد خواست تا این مبلغ را به ۱ تریلیون دلار افزایش دهد و تلاش کند تا قیمت نفت، اصلی‌ترین منبع درآمد عربستان سعودی، کاهش یابد. به باور اقتصاددانان، هر چند پیش‌بینی‌پذیر است که براساس وعده‌های ولیعهد عربستان سرمایه‌گذاری‌های این کشور در ایالات متحده به‌طور قابل توجهی افزایش پیدا کند اما تحقق رقم ۱ تریلیون دلاری در این رابطه، امری نزدیک به محال به نظر می‌رسد. چراکه رقم مورد نظر ترامپ، از ارزش کل دارایی‌های صندوق ثروت ملی عظیم پادشاهی سعودی، که حدود ۹۲۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود و عمدتاً برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های داخلی عربستان مورد استفاده قرار می‌گیرد، فراتر می‌رود.

تیم کالن، اقتصاددان و رئیس سابق هیئت مأموریت صندوق بین‌المللی پول در عربستان سعودی، می‌گوید: «من نمی‌فهمم چگونه آنها خواهند توانست حتی به ۶۰۰ میلیارد دلار نزدیک شوند، چه برسد به یک تریلیون دلار.»

علاوه بر این، باید اشاره کرد که عربستان سعودی سال گذشته اعلام کرد که قصد دارد سهم سرمایه‌گذاری‌های خارجی از کل سرمایه‌گذاری‌های این کشور را کاهش دهد و «بیشتر بر اقتصاد داخلی متمرکز شود.»

ترامپ در دوره قبلی ریاست‌جمهوری خود موفق شده بود تا روابط اقتصادی آمریکا و عربستان سعودی را تقویت کند. در آن زمان، جرد کوشنر، داماد و مشاور ترامپ که روابط بسیار نزدیکی با ولیعهد عربستان داشت، نقش مهمی در این راستا ایفا کرد. با این حال، ارقام واقعی سرمایه‌گذاری‌های عربستان، با ارقام اعلامی از

سوی مقام‌های دو کشور تفاوت‌هایی جدی داشت. رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۱۷ مدعی شده بود که موفق شده است موافقت ریاض را برای سرمایه‌گذاری ۴۵۰ میلیارد دلاری در ایالات متحده جلب کند. این در حالی است که داده‌های حاصل از بررسی تبادلات مالی و تجاری میان واشنگتن و ریاض نشان می‌دهد این حجم از سرمایه‌گذاری تا ژانویه ۲۰۲۱ که دونالد ترامپ بر سر کار بود محقق نشد.

براساس این داده‌ها، مجموع صادرات کالا و خدمات آمریکایی به عربستان در فاصله سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ حدود ۹۲ میلیارد دلار بود که از مجموع صادرات کالا و خدمات آمریکا به عربستان در دوره دوم ریاست‌جمهوری باراک اوباما که ژانویه ۲۰۱۷ به پایان رسید، کمتر بود.

اندیشکده کشورهای عربی خلیج فارس در ژانویه ۲۰۲۵ در تحلیلی پیرامون موضوع جذب سرمایه‌گذاری از عربستان نوشته است: «تعهد عربستان سعودی به افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری با ایالات متحده به میزان ۶۰۰ میلیارد دلار طی چهار سال آینده، بسیار خوش‌بینانه و تحقق آن بعد به نظر می‌رسد. برای درک مقیاس این تعهد ۶۰۰ میلیارد دلاری، لازم است آن را در چارچوب مقیاس اقتصادی عربستان بررسی کنیم. میانگین سالانه ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری و تجارت، معادل ۱۴ درصد از تولید ناخالص داخلی سالانه عربستان سعودی، ۴۰ درصد از درآمدهای صادراتی سالانه این کشور و اندکی بیش از ۵۰ درصد از کل واردات سالانه کالا و خدمات عربستان است. جهت مقایسه، در سال ۲۰۲۴، تنها ۹ درصد از واردات کالای عربستان از ایالات متحده و ۲۳ درصد آن از چین تأمین شده است. پیش‌بینی می‌شود خرید کالا و خدمات آمریکایی توسط عربستان سعودی در چهار سال آینده افزایش یابد، چرا که این کشور به دنبال تنوع‌بخشیدن به اقتصاد و تقویت توانمندی‌های نظامی خود است. بخش‌های دفاع، فناوری، ساخت‌وساز، خدمات مالی، گردشگری و سرگرمی، بهداشت و درمان، و آموزش، همگی عرصه‌هایی هستند که شرکت‌های آمریکایی می‌توانند در بازار رو به رشد عربستان سعودی سهم بیشتری کسب کنند. با این حال، حتی با فرض خوش‌بینانه رشد سالانه ۱۰ درصدی صادرات کالا و خدمات آمریکا به عربستان در طول دوره ریاست‌جمهوری آقای ترامپ، مجموع این صادرات طی چهار سال به حدود ۱۲۵ میلیارد دلار خواهد رسید. قراردادهای خرید چندساله‌ای که طی چهار سال آینده منعقد می‌شوند اما اجرای آنها به دوره‌ای فراتر از آن موکول می‌گردد، بعید است تأثیر چشمگیری بر این رقم در دوره چهارساله مذکور داشته باشند. بنابراین، ۴۷۵ میلیارد دلار باقی‌مانده از این تعهد باید از محل سرمایه‌گذاری‌های جدید تأمین گردد. اگرچه انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری عربستان در ایالات متحده با هدف انتقال مهارت، فناوری و تجربه از شرکت‌های آمریکایی به اقتصاد داخلی افزایش یابد، اما مقیاس این بخش از تعهد نیز بسیار کلان به نظر می‌رسد. صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی می‌کند که عربستان سعودی طی سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۸ با کسری حساب جاری روبه‌رو خواهد بود. در صورت تحقق این پیش‌بینی، این کشور دیگر مازاد حساب جاری سال‌های گذشته (که در ۱۵ سال از ۱۸ سال اخیر وجود داشت) را برای تزریق به عنوان سرمایه‌گذاری جدید به سیستم مالی جهانی در اختیار نخواهد داشت. این بدان معناست

